

کفایت سرمایه؛ شاخص مهم ارزیابی بانک‌ها

دکتر محمدباقر صدری

اعتباردهی به طرح‌های زودبازده که فراتر از ۱۵ هزار میلیارد تومان و مسکن نیز ۱۵ هزار میلیارد تومان است و سایر داده‌ها بیانگر آن است که در سال‌های گذشته به ویژه در دو سال اخیر بانک‌ها به سرمایه و کفایت سرمایه نگاهی دقیق نداشته‌اند به طوری که برای تامین نظر بانک تسویه حساب بین‌المللی

در سال‌های ۸۳ - ۸۴ به تجدید ارزیابی اموال غیرمنقول پرداخته‌اند، فشار به بانک‌ها برای پرداخت از سپرده‌های مردم به هر دلیل که باشد کاملاً غیراصولی و نوعی تزلزل در امانت داری و وکالت بانک‌ها از صاحبان اصلی سرمایه آنها است.

رئیس کل بانک مرکزی در گفت‌وگو با مهر در ۲۰ بهمن ماه سال جاری اعلام کرد که مجموع بدهی بانک‌های دولتی به بانک مرکزی در سال‌های قبل از ۱۳۷۰ همواره کمتر از ۴۰۰ میلیارد ریال بوده و در طول سال‌های ۷۰ تا ۸۳ این مبلغ به حداکثر ۲۴/۳ هزار میلیارد ریال ولی در سال ۸۴-۸۵ با رشد شدید و بی سابقه به ترتیب به ۳۵/۹ هزار میلیارد ریال و ۵۴ هزار میلیارد ریال رسیده است. به عبارت دیگر رشد بدهی طی دو سال ۸۴ و ۸۵ دو برابر رقم یعنی از ۲/۴ هزار میلیارد تومان به ۵/۴ هزار میلیارد تومان رسیده است.

به گفته رئیس کل بانک مرکزی، بدهی بانک‌های دولتی به بانک مرکزی تا سال ۱۳۸۳ مسئله عادی بوده ولی اکنون به یک معضل بزرگ و چالشی به ظاهر حل‌نشده تبدیل شده است. در حالی که به گفته مظاهری بانک‌های دولتی تاکنون حتی یک ریال از بدهی خود را نپرداخته‌اند و دقت شود که معوقه ۱۱ هزار میلیارد تومان و بدهی به بانک مرکزی در حدود ۵/۴ هزار میلیارد تومان و اعتبار دهی در حد ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بانک‌ها را از حد توصیه بانک تسویه حساب بین‌المللی و کمیته باسل فراتر می‌برد. اضافه برداشتی بدون در نظر گرفتن مقررات از جمله کفایت سرمایه کاملاً

کفایت سرمایه اصطلاحی است که بر اساس آن بانک‌ها به بانک مرکزی نحوه مدیریت سرمایه و ریسک آن را گزارش می‌کنند. میزان کفایت سرمایه بر اساس مقررات بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی از ۵ تا ۱۰ درصد سرمایه مصوبه و قانونی بانک‌ها است. گرچه بانک‌های کشور

در این حوزه به روش‌هایی متوسل می‌شوند که درصد کفایت سرمایه را کم یا زیاد کنند.

آنچه در سال‌های اخیر در بانک‌ها رخ داده و رئیس جمهور محترم را وادار به تشکیل کارگروه اصلاح ساختار و رفتارها کرد، اگرچه فراتر از کفایت سرمایه است، ولی بیانگر آن است که بانک‌ها چندان هم در مدار کانونی حرکت نمی‌کنند.

معوقه‌های ده بانک دولتی فراتر از ۱۱ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و اگر مجموع کفایت سرمایه این ده بانک با میزان معوقه برابر شود، شاید کفایت سرمایه آنها کفایت این معوقه‌های غیر بازگشت را نکند.

بانک صادرات ایران که یکی از بانک‌های قانون‌مند و گسترده کشور است، در سال ۱۳۸۵ سرمایه‌ای در حدود ۱۶۸۰۳ میلیارد ریال و کفایت سرمایه در حد ۷ درصد داشته است، لذا اگر تمام سرمایه و کفایت سرمایه ده بانک دولتی محاسبه شود مشخص می‌کند که بانک مرکزی باید در کنار بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی نظارت خود را بر بانک‌ها تشدید کند. در این میان چون بانک‌های خصوصی نیز فعال هستند، ضرورت ایجاب می‌کند که سرمایه و کفایت سرمایه آنها نیز با میزان اعتبارات ارائه شده سنجیده شود.

طبق گفته قائم مقام بانک مرکزی، در دی ماه ۸۶ میزان اعتباردهی بانک‌های دولتی فراتر از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان بوده است. مجموعه



غیرموجه و حتی خطرناک است. در این میان تلاش بانک مرکزی در جلوگیری از اضافه برداشت که به اصطلاح به سه قفله کردن خزانه مشهور شد تلاشی است موجه و قانونی که سعی می کند بانک های خارج از مدار قانونی را به مدار قانون و مقررات بازگرداند. در این میان رشد نقدینگی توام با رشد تورم کمتر در دی ماه ۸۵ به ۱۵/۷ درصد رسیده است که یکی از نتایج حرکت بانک ها خارج از مدار بوده است. در این حوزه باید اقدامات حتی بیشتر از سه قفله کردن خزانه انجام گیرد. مسائل بانک ها هر چه سریعتر در مدار مقررات قرار گیرد. مباحث مربوط به افزایش سود سپرده ها، بخشی از اقداماتی است که می تواند در چرخش پول به سوی بانک ها نقش موثری ایفا کند. گرچه این ورود حتماً باید با جلوگیری از خروج اعتبارات به گونه ای تلفیق شود. اتفاقات افتاده در یکی از بانک های انگلستان و هجوم سپرده گذاران برای برداشت و اتفاقات سال ۲۰۰۰ در ترکیه در مورد چند بانک نشانگر آن است که باید بسیار هوشیار بود، چرا که افزایش نرخ سپرده ها گرچه در شرایط فعلی برای بازگشت نقدینگی به بانک ها و تامین نظر بانک تسویه حساب بین المللی و کمیته باسل ضروری است؛ از سوی دیگر، بانک مرکزی باید هوشیار باشد تا هم بانک ها از دور زدن بانک مرکزی بازمانند و هم از اقدامات اعتباردهی غیراصولی برحذر باشند.

با توجه به افزایش نرخ اموال غیرمنقول بانک ها، بانک مرکزی باید بانک ها را وادار به فروش اموال غیرمنقول و واریز به حساب کند تا به تقویت بانک ها منجر شود و عرضه اموال غیرمنقول از جمله مسکن می تواند موجب جذب نقدینگی و کاهش بهای مسکن نیز بشود. در این میان برخی کارشناسان، بنگاه های زودبازده را به عنوان درمان بیکاری دانسته و مثال هایی از آلمان و کانادا و هند به میان می آورند. گرچه هیچ کشوری تعریف واحدی از بنگاه های کوچک و زودبازده را ندارد، ولی هیچ کدام از کشورهای ذکر شده، مشکل نقدینگی فراتر از ۱۴۰ هزار میلیارد تومان و تورمی ۱۵/۷ درصد سالانه ندارند، ضمن این که تجربه ناموفق در دولت هشتم و اختصاص یک هزار میلیارد تومان به وام بیکاری برای ما هشدار دهنده است. علاوه بر این باید بررسی مجدد و کارشناسی دقیق در حوزه بنگاه های کوچک و زودبازده داشت؛ ضمن اینکه باید به ظرفیت آزاد واحدهای صنعتی نیز توجه کرد که این بنگاه های تولیدی دارای ظرفیت آزاد هستند و سرمایه های ثابت و هزینه های ثابت آنها در قبال تولید کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت موجب افزایش قیمت تمام شده می گردد، ولی اگر با دقت و انتخاب و با توجه به نوع تولید و نوع واحد به این گونه واحدها برای تکمیل ظرفیت با شرط اشتغال جدید در حد توان یاری شود هم تولید انبوه و هم اشتغال ایجاد می شود و هم بهای تمام شده کاهش می یابد.

همچنین پیشنهاد می شود مثل کشورهای آلمان و کانادا و هند یکی

از بانک ها مسئولیت اعتبار دهی به بنگاه های زودبازده و واحدهای با ظرفیت کمتر را به عهده گیرد تا هم اعتبار و هم گیرنده آن کاملاً شفاف و در معرض دید باشد.

اتفاقات رخ داده در نقدینگی و افزایش بهای مسکن بسیار هشداردهنده است؛ لذا باید در اعتباردهی بسیار دقیق بود. در این میان مجموعه اعتبارات ۱۵ هزار میلیارد تومان برای بنگاه ها باید مورد ارزیابی قرار گیرد، چون جابه جا کردن اعتبار در کشور ما متأسفانه سابقه طولانی دارد. به عبارت دیگر اعتبار برای هدف تولید اخذ می شود، ولی در خرید مسکن و یا واردات کالای مصرفی به کار می رود. آنچه بیان شد فراتر از کفایت سرمایه است ولی کفایت سرمایه و درصد آن عاملی است تا فعالیت بانک ها زیر ذره بین قرار گیرد. بانک مرکزی و سایر بانک ها باید هوشیار باشند که در شرایط خاص باید همه امور در چارچوب قانون و مقررات و از همه مهمتر با نظر بانک مرکزی باشد. هیات مدیره بانک ها اگر چه اختیار دارند ولی اختیار آن ها در مقابل مقررات محدود است. در این میان ضرورت دارد بانک مرکزی در کلیه بانک های کشور چه خصوصی و چه دولتی به ارزیابی کفایت سرمایه بپردازد و سعی کند کفایت سرمایه تمام بانک ها را با آخرین مقررات بانک تسویه حساب های بین المللی و کمیته باسل تطبیق دهد تا بانک ها به کاستی ها و قدرت ها آشنا شوند و تلاش کنند در کنار سودآوری بنگاه به سودآوری کل کشور توجه کنند تا از هر گونه اقدام که منجر به افزایش نقدینگی و تورم می شود پرهیز کنند. بازگشت بانک ها به قانون و حفظ اصول مربوط به کفایت سرمایه توجه بانک ها به سپرده های مردم و حفظ امانت داری و وکالت، به جمع آوری نقدینگی و کاهش تورم یاری می رساند. در این میان بانک ها با توجه به اینکه قلب تپنده اقتصاد کشور هستند، باید در حوزه طرح های عمرانی و کاهش زمان بهره برداری و رسیدن اعتبار گیرندگان به اهداف تولیدی خود نظارت کنند. یکی از دلایل چالش های به وجود آمده در سال های اخیر، نقصان نظارت و گرایش به قانون گریزی بوده است. هیچ بانکی حق ندارد بدون دلیل یا با توجیه اینکه دستور داده شد، قوانین و مقررات را دور بزنند و اهداف کشور و نظام در حوزه توسعه و رشد و افزایش رفاه عمومی را نادیده بگیرد. بانک های کشور خزانه دار عموم مردم و کشور هستند، از این رو ضرورت دارد به عنوان امین و وکیل مردم نگرهبانی از این خزانه را به دقت عهده دار شوند. امیدواریم پیش روی بانک ها که بانک مرکزی به همراه کلیه بانک ها دست در دست هم دهند که در این صورت خواهند توانست به مسائل و مشکلات پیش روی بانک ها فائق آیند و نظارت بر کفایت سرمایه را به نظارت در کلیه عملکردها مبدل سازند.